

فقدان تحقیقات بنیادین در خوشنویسی ایران

گفتگو با دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی

شادی غفوریان*

حمیدرضا قلیچ‌خانی متولد سال ۱۳۴۷ در تهران، در سال ۱۳۶۳ با استاد اویس وفسی آشنا شد و در سال ۱۳۶۸ دوره فوق ممتاز نستعلیق و ثلث را نزد استادان غلامحسین امیرخانی و سید محمد حسینی موحد به پایان برد. وی فارغ التحصیل دکترای تخصصی در «مطالعه نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی» از دانشگاه دهلی است. قلیچ‌خانی در دهه اخیر مدیر، مشاور و داور بسیاری از کنگره‌های بین‌المللی، پروژه‌ها و طرح‌های کلان خوشنویسی بوده است. او نخستین خوشنویس ایرانی عضو انجمن نسخه‌های خطی اسلامی انگلستان است و چندین کتابش در خارج از ایران انتشار یافته است. انتشارات بریل، معتبرترین ناشر آثار خاورمیانه، به تازگی ترجمه انگلیسی «فرهنگ اصطلاحات خوشنویسی» وی را منتشر کرده است. قلیچ‌خانی در سال گذشته برای تدریس و برگزاری نمایشگاه به دانشگاه کمبریج دعوت شد. او همچنین سخنرانی‌ها و کارگاه‌های گوناگونی را در دانشگاه‌های آمریکا از جمله: هاروارد، کارولینای شمالی، شیکاگو، جورج واشنگتن و پرتلند برگزار کرده است. گفتگوی حاضر به بهانه سخنرانی ایشان در نشست پژوهشی مؤسسه آفرینش‌های هنری درباب پژوهش در خوشنویسی ایران (معرفی و بررسی منابع تاریخی، متون و مستندات خوشنویسی از آغاز تا امروز) صورت گرفته است.



* کارشناس ارشد مطالعات ترجمه دانشگاه شهید بهشتی تهران
Shgh1983@yahoo.com

تحقیقات معاصر خوشنویسی ایرانی را از آغاز تاکنون چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دو گروه پژوهش در رابطه با خوشنویسی ایرانی صورت گرفته است. یک دسته به شکل تحقیقات و با تألیفات سنتی و کلاسیک هستند که با نوشتن تذکره‌ها، متون کهن و رسالات آموزشی و این‌گونه کارها انجام شده است؛ خوشبختانه درباره خوشنویسی، بعد از ادبیات می‌توان گفت بخت‌یارترین هنر در مقایسه با هنرهای دیگر امر جمله معماری، موسیقی و یا نگارگری بوده است. متون و مستندات بسیاری امر سده چهارم و پنجم درباره خوشنویسی داریم؛ کتاب‌هایی همچون «قابوس‌نامه» که باب سی و نهم آن مربوط به کتابت و دبیری است و همین طور کتاب «چهار مقاله» نظامی عروضی که یکی از چهار صنف کلیدی دوره خویش را کتابت و دبیر معرفی کرده است.

علاوه بر این‌ها کتاب‌های مستقلی نیز داریم امر جمله «آیین دبیری» امر عبدالخالق میهنی، «دستور الکاتب فی تعیین المراتب» از شمس منشی و کتاب «تحفه المحبین» در آداب معنوی خوشنویسی که به سال ۸۵۸ ق. در بیدر هندوستان تألیف شده است؛ همه اینها دال بر این است که چون در گذشته باسواد بودن، نخستین شرط کاتب شدن بوده و خوشنویسان جزو باسوادترین هنرمندان به شمار می‌رفتند، دسترسی خوشنویسان به منابع مکتوب زیاد بوده و بسیاری از آنان، دیوان شعر دارند و دارای تحصیلات در ادبیات فارسی و عربی بودند و به این جهت توانستند نوشته‌ها و رساله‌های فراوانی امر خود به یادگار بگذارند که در آنها از تاریخ خط، هنرمندان، اصول و قواعد خط، تکنیک‌ها، ابزار آلات، مرگب‌سازی، آماده سازی کاغذ و آهار مهره کردن مطالبی آمده است.

همه این‌ها نشان می‌دهد که پیشینه نظری خوشنویسی از نظر منابع پژوهشی بسیار غنی و درخور توجه است و در دوره معاصر تقریباً از ۵۰ سال پیش در برخی زمینه‌ها پژوهش‌های بنیادین و خوبی منتشر شده است؛ یکی امر قابل توجه‌ترین اثر در زمینه شرح احوال و آثار هنرمندان، کاری است که در چهار جلد از دکتر مهدی بیانی تحت عنوان «احوال و آثار خوشنویسان» منتشر شده است. چون بخش نستعلیق‌نویسان آن مجموعه در زمان حیات ایشان منتشر شد، این بخش از همه کامل‌تر است؛ اما بخش‌های دیگر پس از درگذشت ایشان به سال ۱۳۴۶ ش. منتشر شد و دارای افتادگی و کاستی‌هایی است که باید در آینده برطرف شود. می‌توان گفت این کتاب بهترین و دقیق‌ترین اثری است که توسط یک استاد و پژوهشگر معاصر که

مسلط به خطوط بود و خود مدتی رییس کتابخانه کاخ گلستان (سلطنتی سابق) و کتابخانه ملی ایران بوده و دسترسی به نسخه‌های خطی بسیاری داشته، گردآوری و منتشر شده است.

پژوهش دیگر، کتاب «اطلس خط» از استاد حبیب الله فضائلی است که در بخش تاریخ خط، کتابی فوق‌العاده و مرجعی بی‌نظیر است.

در زمینه‌های دیگر امر جمله آموزش و تعلیم خوشنویسی، کتاب‌های بیشتری منتشر شده است. رسم‌الخط‌های گوناگونی به ویژه بعد امر انقلاب و درباره موضوعات خاص مثل کشیده‌نویسی، ترکیب و کرسی منتشر و مقالات و کتاب‌هایی نیز تألیف و تدوین شده است. در کتاب ارزشمندی که در اوایل دهه ۷۰ با عنوان «کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی» از استاد نجیب مایل هروی نشر یافته و همزمان با آن در کتابی که با عنوان «رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته» منتشر کرده‌ام، تلاش کردیم تا کلیه رسالات آموزشی و متونی که به زبان فارسی در حوزه خوشنویسی و هنرهای مربوط به آن از جمله کاغذ و مرگب و رنگ و ابزار آلات و حتی صحافی و جز اینهاست، تصحیح و منتشر شود تا در سال‌های بعد، به عنوان منبع دست اول برای بسیاری از تحقیقات دیگر مورد استفاده قرار بگیرد.

سال ۷۳ کتابی منتشر کردم با عنوان «فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته»؛ این اثر برای خوشنویسان و دانشجویان هنر مورد نیاز و ضروری بود و برای نخستین بار بود که اصطلاحات این هنر گردآوری می‌شد. در آن زمان خبر نداشتم اما بعد مطلع شدم که این کتاب اولین فرهنگ خوشنویسی در جهان اسلام است؛ یعنی به زبان‌های دیگر مثل انگلیسی، عربی، اردو و ترکی هم چنین کتابی نداشتیم و بعد امر آن بود که کتاب‌هایی به زبان‌های عربی و ترکی منتشر شد. خوشبختانه ترجمه انگلیسی این کتاب را انتشارات بریل (Brill) در لیدن هلند در سال جاری منتشر کرده است؛ امر من خواسته شد تا کتاب را بنا به مخاطب غیر ایرانی، ویرایش کنم و با افزایش و کاهش تصاویر، در پروسه‌ای چند ساله توسط خانم ربکا استینگل ترجمه شد.

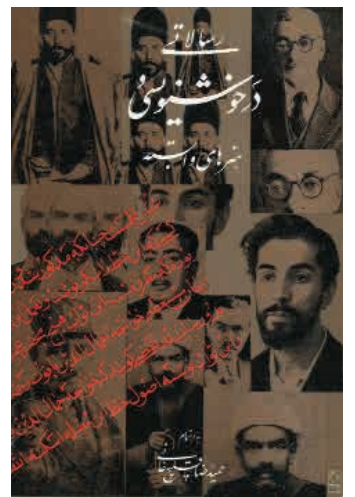
مجموعاً می‌شود ارزیابی کرد که در ۵۰ سال گذشته پژوهش‌های خوبی در زمینه خوشنویسی صورت گرفته است؛ اما امر آنجایی که آموزش خوشنویسی به نهادی به نام «انجمن خوشنویسان ایران» سپرده شده و بیشتر فعالیت‌های خوشنویسی در آنجا متمرکز بوده و این هنر

آن زمان چاپ نشده بود. حتی در وب سایت «شاهنامه کالکشن» در کمبریج که به همت پروفیسور چارلز ملویل راه اندازی شده است، اساس کار بر تصاویر شاهنامه و شاهنامه‌های مصور بود و شاهنامه‌هایی که تصویر نداشتند را لحاظ نمی‌کردند؛ در سال ۹۲ که پروفیسور ملویل از من خواستند تا سایتشان را ویرایش علمی کنم، پیشنهاد دادم تا صفحه انجامة هر نسخه را به عنوان نمونه و شناسنامه بیاورند، چراکه هنگام تهیه تصاویر نسخه‌ها، از گرفتن تصویر صفحه آغاز و انجامة نسخه غفلت کرده بودند. این مثال‌ها تأیید می‌کند که هنرشناسان دیگر کشورها توجهشان غالباً به نقاشی و آرایه‌های نسخه‌های ایرانی است و ازین رو در بیشتر تحقیقات غربی جای کتابت و خوشنویسی خالی است. با این حال آثاری به زبان انگلیسی و زبان‌های دیگر منتشر شده است که قابل توجه‌اند. برخی از آنها به فارسی ترجمه شده‌اند همچون کتاب «خوشنویسی و فرهنگ اسلامی» از خانم آن ماری شیمل یا آقای فرانسیس ریشارد -که مدیر بخش فارسی کتابخانه ملی فرانسه بود و بخش اسلامی موزه لور را به دستوری ژاک شیراک طراحی و راه اندازی کرد- جلوه‌های هنر پارسی را در کتابخانه ملی پاریس معرفی کرد که در سال ۸۳ به فارسی ترجمه شد و اثر قابل توجهی است. همین‌طور برخی از مستشرقان، مثل خانم شیلا بلر و همسرشان جاناتان بلوم که هنوز آثارشان به فارسی ترجمه نشده است. همین‌طور آقای فرانسوا دروش که روی قرآن‌های سده‌های نخستین دوره اسلامی کار کرده است.

پروژه‌ای که می‌تواند شایسته باشد این است که در وهله اول آثاری که ایران‌شناسان در باب خوشنویسی ایران کار کرده‌اند شناسایی و در گام بعدی ترجمه بشود و ما از کارهای انجام شده و داشته‌ها باخبر شویم؛ هرچند که شاید سزاوار این هنر گرانقدر نباشند اما با وجود این، به عقیده بنده همین تحقیقات پراکنده مثل مقالاتی که از پژوهشگر ژاپنی آقای یوشیفوساسکی منتشر شده گرچه اندکند اما عمق بسیاری زیادی دارند؛ ایشان چند تحقیق دربارۀ خوشنویسان و صحافی مرقعات ایران در موزه توپقاپی انجام دادند که در دورۀ اول مجله «نامه بهارستان» منتشر شده است و نشان می‌دهد که این مرقعات گنجینه‌ای بی‌نظیر از فرهنگ و هنر ایرانی است و بسیاری از اینها برای خوشنویسان و هنرمندان معاصر ناشناخته است، زیرا بسیاری از هنرمندان به سبب جدایی‌های بصری، اثر مباحث نظری آن هنر غافل و فارغ هستند.

در دهه‌های گذشته از دانشگاه دور مانده است، می‌توان گفت با توجه به تاریخ هزار ساله این هنر، باید کارهای شایسته‌تری انجام می‌گرفت. اگر خوشنویسی را با هنرهای چون فرش که به شکل دانشگاهی دارای دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد است مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم در مقایسه با آنها اثر جهت منابع و مآخذ هنوز آن‌طور که باید منابع قابل اعتماد و متنوع نداریم و جای پژوهش‌های بنیادی بسیاری در خوشنویسی ایران خالی است.

آثار منتشر شده محققان خارجی و تحقیقات اخیر آنها در ارتباط با خوشنویسی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
 درباره خوشنویسی ایران خوشبختانه و از منظری متأسفانه کارهای جامع، کافی و وافی توسط ایران‌شناسان صورت نگرفته است. متأسفانه از این جهت که در معماری و نگارگری و برخی هنرهای مفصلی انجام داده‌اند و با انتشار آن تحقیق‌ها کار برخی پژوهشگران داخلی آسان شده است؛ خوشبختانه اثر منظری دیگر و آن این که این عرصه بکر و دست نخورده باقی مانده است. برای مثال در نگارگری چون برای ما دیکته کرده‌اند که این مکتب هرات، تبریز و اصفهان است دیگر نمی‌توانیم از تقسیم بندی‌های مستشرقان پا را فراتر بگذاریم و خودمان این مکاتب را دسته‌بندی و تحلیل کنیم؛ اما خوشبختانه در خوشنویسی چون این اتفاق نیفتاده، این امکان وجود دارد که این‌گونه پژوهش‌های بنیادی و دسته‌بندی‌های اساسی از طریق استادان بومی و متخصص صورت بگیرد. در مجموع درباره خوشنویسی، مستشرقان در مقایسه با هنرهای دیگر از جمله معماری و موسیقی و نسخ خطی کار قابل توجهی انجام نداده‌اند و یکی از دلایل آن طبیعتاً خواندن و درک زیبایی‌شناسی خوشنویسی بوده است. ازین رو اکثر مستشرقان هنگامی اثر خوشنویسی صحبت می‌کنند که کتیبه‌ای را در بنایی می‌بینند و آن را بخشی از تزیینات بنا به شمار آورده و گزارش می‌کنند؛ یا این که در نسخه‌های خطی نفیس، پس از آن که به نگارگری و تزیینات و آرایه‌های یک نسخه پرداختند، خط را هم به صورت ضمنی و به کوتاهی معرفی کرده‌اند. با این حال در بسیاری از تحقیقات معاصر مثل معرفی‌ای که اثر شاهنامه جوکی به صورت کتاب مستقل چاپ شده حتی در یک صفحه هم به کاتب آن نسخه و یا به سبک خوشنویسی پرداخته نشده است. مقاله من با عنوان «کاتبان شاهنامه» که در سال ۸۹ در مجله آینده میراث منتشر شد، نشانگر آن است که هیچ مقاله‌ای درباره کاتبان این اثر سترگ تا



دارد و یا چند قطعه از او باقی مانده است؛ چون طبیعتاً در خوشنویسی هم مثل دیگر هنرها کیفیت و عیار است که سبب ماندگاری و گاهی جریان سازی در تاریخ آن شده و به این جهت به این گونه موضوعات چنان که شایسته و بایسته است، نپرداخته ایم.

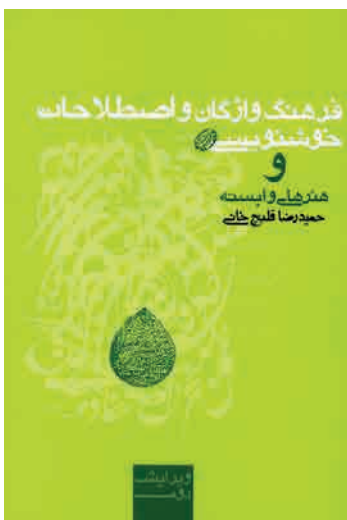
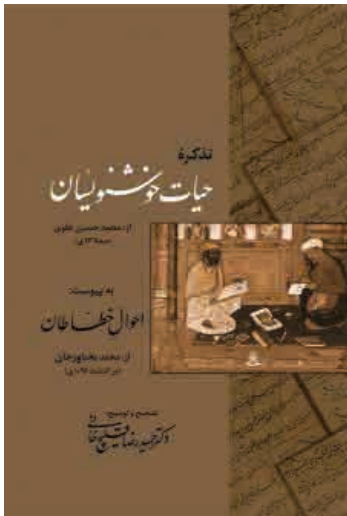
موضوع دیگری که می شود در پایان همین بخش به عنوان پیشنهاد یا مباحثی که باید به آنها پرداخته شود اشاره کرد این است که در دوره معاصر هر یک از فرهنگ ها و تمدن ها آمدند سهم خودشان را اثر هنرها و دیگر بخش ها گرفته اند. با این تقسیمات جغرافیایی طبیعتاً از پاکستان، تاجیکستان، افغانستان، پاکستان و بقیه در حال مشخص کردن سهم خود در هنرهای اسلامی اند. برخلاف حرکت به سوی دهکده جهانی، ملی گرایی و میهن پرستی به شدت در حال گسترش است و به این جهت ضرورت دارد تا ما در بخش هایی که عنوان «ایرانی» را به چیزی می افزاییم، مثل ثلث ایرانی، نسخ ایرانی و مدعی هستیم که این ثلث با ثلث ترکی متفاوت است و یا این نسخ با نسخ عربی متفاوت است، باید دست به تحقیقات بنیادین بزنیم. متأسفانه تا این لحظه ما کتابی تحت عنوان کوفی ایرانی، ثلث ایرانی و نسخ ایرانی نداریم تا به دیگران معرفی کند که این مکتب در چه دوره ای شکل گرفته و یا ثلث ایرانی دقیقاً چه ثلثی است و چه ویژگی هایی دارد. خوب این موضوع برای خوشنویسانی که کارها را مقایسه می کنند، تا اندازه ای روشن و قابل تشخیص است اما برای همگان آشکار و مبرهن نیست؛ این هم از ضرورتها و بایسته های پژوهش در حال حاضر است که ما پس از شناخت هنرهایمان، از بخش هایی که مختص فرهنگ ایران است، دفاع کنیم؛ از سبک های ایرانی کوفی گرفته تا ثلث، نسخ، شکسته برای تمامی آنها تعاریفات جامع و کلیدی داشته باشیم و بتوانیم سهم خودمان را در جهان هنرها روشن و شفاف کنیم.

کدام یک اثر ضرورت های تحقیق در خوشنویسی اسلامی را در مورد آثار موجود در مجموعه آستان قدس رضوی قابل تعمیم می دانید؟

مجموعه آستان قدس مجموعه ای بسیار بزرگ، کلان و ارزشمند است و اولین ضعفی که برای پژوهشگران در مواجهه با این مجموعه پیدا می شود این است که از چند و چون و کم و کیف آثار موجود در آن آگاه نیستند و آستان قدس در دهه های گذشته می بایست تلاش های بیشتری در زمینه بروز شده انجام می داد. به نظر من نخستین کار باید

برای جمع بندی دو سؤال قبلی، به نظرتان چه وجوهی از مطالعات خوشنویسی ایران مورد بی مهری قرار گرفته است و در حال حاضر چه بخشی از خوشنویسی برای مطالعه اهمیت و ضرورت بیشتری دارد؟

به نظرم تحقیقات بنیادین که گردآوری متون و رسالات و یافتن شرح احوال و آثار هنرمندان است تا اندازه ای سر و سامان پیدا کرده، هر چند می توانیم برای شرح احوال هنرمندان، دانشنامه های مفصل تری با توجه به منابع و مآخذ امروز فراهم کنیم و همان طور که پیش تر عرض کردم بهترین منبع، کتابی است که دکتر مهدی بیانی منتشر کرده است. امروزه این آثار نیاز به بازبینی و تکمیل دارند اما به هر حال در این زمینه منابعی داریم که قابل توجه هستند. بخشی که امروزه مورد استفاده خوشنویسان و دانشجویان زیرگروه های گوناگون هنرهای تجسمی و نهادهای پژوهشی می تواند باشد و تقریباً مغفول واقع شده است شناسایی ارکان، اصول و زیبایی شناسی خوشنویسی و همچنین تقسیم بندی سبک ها و مکاتب است؛ چیزی که ما بتوانیم برای غیرایرانی ها هم توضیح دهیم که چرا این سیاه مشق دارای ابعاد هنری است. طبیعتاً نگارگری و دیگر هنرهای ما مشابهت بیشتری با هنرهای غربی دارد و ازین رو آنها توانستند مبانی آنها را استخراج کنند؛ اما در خوشنویسی هنوز ما کتاب و منابع لاخرم را نداریم؛ مثلاً مبانی بصری سیاه مشق چیست و یا مبانی زیبایی کتیبه نگاری چیست یا اینکه چرا مثلاً کتیبه مسجد گوهرشاد در چه یک است اما کتیبه ای شبیه به آن و با همان تاریخ متوسط؟ هر چند که آن کتیبه را بایسنغر نوشته باشد. مباحثی از این دست که به اصول زیباشناسی آثار و تجزیه و تحلیل آثار مربوط می شود و سبب می شود که ما قطعه ای را موزه ای تصور کنیم و میلیون ها تومان ارزش داشته باشد اما کاری شبیه به آن موزه ای نباشد و بسیار کم اهمیت باشد. در اطلاعات افراد به صورت تجربی در ذهنشان انباشته است. اینها باید مکتوب شود و به نقد و نظر گذاشته شود و در مجموعه های متنوعی منتشر شود تا غیر اهل هنر و یا علاقه مندان دیگر هنرها هم که بخواهند خوشنویسی را ارزیابی کنند بتوانند با این معیارها و متری که به دست می آید، اثری را بسنجند و بتوانند ارزش و عیار کارهای خوب و بد را مقایسه کنند؛ چون همان طور که می دانید در کار هنر، عیار تعیین کننده است، کیفیت و نه کمیت. گاهی کاتبی داشتیم که ۱۳۰ قرآن کریم را کتابت کرده و در تاریخ هنر در جایگاه هنرمندی است که صرفاً یک مرقع



از وقتی که در اختیار ما گذاشتید سپاسگزارم، حرف آخر را بفرمایید.

سپاسگزارم، از هنری با سابقه بیش از هزار سال صحبت کردیم. هنگامی که به جستجوی وجوه گوناگون خوشنویسی در اینترنت می‌پردازیم، می‌بینیم که مقالات، کتاب‌ها و پژوهش‌های جدی با عناوینی چون: «خوشنویسی ایران» یا «نسخه‌های ایرانی» یا ترجمه این عنوان Persian Calligraphy یا Persian Manuscripts یا عناوین: ثلث ایرانی، نسخ ایرانی بسیار اندک است و با پژوهش‌های برخی کشورها در باب هنرهای اسلامی قابل قیاس نیست. دیگر فرهنگ‌ها در دهه‌های اخیر تلاش دارند تا خودشان را اثبات کنند و سهم خود را در فرهنگ جهان مشخص کنند. در اثر اخیرم با نام «درآمدی بر خوشنویسی ایرانی» کوشیده‌ام تا این مقله را به عنوان «پدر خوشنویسی ایرانی» به شکل جدی‌تری مطرح کنم، چراکه این هنرمند بزرگ ایرانی نیز همچون بسیاری از مشاهیر ایرانی به نفع دیگر اقوام و ملل مصادره خواهد گشت و اگر هوشیارتر عمل نکنیم، بسیاری از ارزش‌های خوشنویسی که مدیون نبوغ هنرمندان ایرانی بوده را از دست خواهیم داد.

با پتانسیل بسیار زیادی که از آثار و مواد مختلف موجود در موزه و کتابخانه آستان قدس داریم و به همین‌سان، نسل جوانی که علاقه‌مند، تحصیل‌کرده و دانشگاهی هستند می‌بایست از این منابع بهره‌مند شویم و زحمت پیشینان و حق آنها را در بخش هنر اسلامی-ایرانی مشخص کرده و به دیگران معرفی کنیم و بگوییم که ایرانیان در هزار سال چه سهمی در جریان‌سازی خوشنویسی داشته‌اند و چه کرده‌اند.

پس از شناسایی و معرفی دقیق میراث کهن نیاکانمان، نوبت به این می‌رسد که این داشته‌های سرشار را با زندگی و جامعه امروزی تطبیق دهیم و راهی برای بهره‌مندی از آنها در دنیای مدرن کنونی بیابیم و برای پیشینان هنرمندان، میراث‌داران و رهروانی شایسته باشیم.

داشته‌ها و کیفیت و پتانسیلی که وجود دارد مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که از کوهی از نسخ و آثار هنری که هست، توانسته‌اید نمونه‌های بسیار اندکی را معرفی و منتشر کنید. به همین جهت تمام پژوهشگران و خصوصاً جامعه دانشگاهی توقع دارند که با توجه به برخورداری از امکان فنی نشر و چاپ، بیش از پیش بتوانید این آثار ارزشمند را منتشر کنید و طبیعتاً گام اول برای این مهم، جلب توجه محققان کارآموده و درجه یک است و نباید به واحد پژوهش خود آستان قدس بسنده کرد. برای مثال اگر مجموعه‌های اثر مهرها و نقش مهرها هست، در این زمینه سه چهار استاد حرفه‌ای که در مهرشناسی صاحب نظر هستند و می‌توانند آنها را دسته بندی کنند، باید به همکاری دعوت شوند.

به نظر من زمانی که مجموعه‌ای درجه یک و بی‌مانند داریم، شایسته است که معرفی و انتشار آثارش هم توسط استادان درجه یک صورت گیرد؛ مثلاً اگر کسی در بخش خطی فهرست‌نویس بوده است، لزوماً شاید نتواند معرف این مجموعه ستیگ و ارزشمند باشد. اثر آنجا که این آثار بخشی از میراث جهان اسلام است، به نظر بنده شایسته است که دست کم همزمان به زبان‌های عربی و انگلیسی هم ترجمه شوند.

به نظر تان خود مجموعه و متعلقاتی که دارد می‌تواند در شکوفایی هنری مثل هنرهای سنتی، خصوصاً هنر خوشنویسی مؤثر باشد؟

بی‌شک می‌تواند و تاکنون هم بوده است. این مجموعه از نسخه‌های کوفی تا تابلوها و کتیبه‌هایی که در معرض دید است و بخشی که در مخزن است، مجموعه‌ای سرشار از هنر خوشنویسی و هنرهای وابسته به آن است. تمام اهل تحقیق به این مجموعه بزرگ مراجعه می‌کردند اما به هر حال مناسب و شایسته است که بیش از پیش این مجموعه با روی گشاده‌تر پذیرای اهل فن و مراجعه‌کنندگان باشد. بسیاری از استادان و خوشنویسان اثر خدمات این مجموعه در دهه‌های گذشته رضایت ندارند. دیدن یک مرقع یا نسخه خطی و یا داشتن تصویرشان نباید با این اندازه دست‌انداز همراه باشد. اگر آستان قدس بتواند برای خوشنویسان، دانشجویان و پژوهشگران با سابقه نسبت به مراجعه‌کنندگان عمومی، تسهیلات و حمایت‌های بیشتری را فراهم آورد، آثار این مجموعه بیش از آنچه که تا کنون معرفی شده‌اند و حقیقتاً است می‌توانند در سال‌های آتی مورد توجه و پژوهش قرار بگیرند.

